

داعش در افغانستان؛ ماهیت، اهداف و چشم انداز آن

دکتر زهرا محمودی^۱، پیرمحمد ملازهی^۲

چکیده

گروه تروریستی داعش با دیدی جهان‌گرا، خواستار به اصطلاح حاکمیت خلافت اسلامی در گستره‌ای از خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب اروپا تا قفقاز، آسیای مرکزی و افغانستان و پاکستان و حتی بخش‌هایی از ایران و هند است. اگر داعش در سوریه و عراق به بن‌بست برسد، افغانستان بهترین مکان برای ادامه فعالیت این گروه محسوب می‌شود. هماهنگی سیاست‌های داعش با اهداف برخی از کشورهای منطقه و همچنین کارکرد این گروه در رقابت قدرت‌های جهانی، زمینه مناسبی برای نفوذ داعش در افغانستان به وجود آورده است. وجود تفکر تحریف شده جهادی در میان گروه‌های تروریستی افغانستان، ورود داعش به این کشور را تسهیل می‌کند. البته گروه‌های افراط‌گرای افغان با داعش بر سر تکفیر شیعیان اختلاف نظر دارند. دیگر اختلاف داعش و این گروه‌ها بر سر قدرت است. به نظر می‌رسد تهدید داعش برای کشورهای هم‌جوار افغانستان، کشورهای مذکور را برای مقابله با تهدید این گروه به تشکیل ائتلافی هرچند نانوشته ترغیب کند.

کلید واژه‌ها: افغانستان، داعش، خلافت، فرقه‌گرایی، القاعده، (به اصطلاح) خراسان بزرگ

^۱. نویسنده مسئول: دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد، تهران، ایران. Email: zahramahmoodi61@gmail.com

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی علوم اجتماعی، تهران، ایران. Email: pmpaskoh@yahoo.com

بیان مسئله

داعش پس از عراق و سوریه در پی تأسیس به اصطلاح خلافت اسلامی در مناطقی از ایران و همچنین در افغانستان، پاکستان، هند و دیگر کشورهای آسیای مرکزی است. حضور داعش در افغانستان امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اهداف

اهداف این مقاله پژوهشی عبارت‌اند از: بررسی فعالیت‌های داعش در افغانستان، شناخت راهبردهای داعش و شرایط تسهیل‌کننده ورود آن به افغانستان؛ و اهدافی که این گروه در افغانستان دنبال می‌کند و چشم‌اندازی که برای فعالیت‌های داعش در افغانستان می‌توان متصور شد.

دلایل تمایل داعش به نفوذ در افغانستان

۱- طرح به اصطلاح خراسان بزرگ

بر اساس برخی روایات معتبر اسلامی، نزدیک به دوره آخرالزمان، قیامی در خراسان بر پا خواهد شد که مقدمه‌ای برای ظهور امام عصر (ع) است. داعش با تفسیر به رأی این گونه روایت‌ها تلاش می‌کند تا اقدامات خود را برای تأسیس بخش خراسانی خلافت اسلامی خود خوانده‌اش در افغانستان به لحاظ شرعی توجیه کند. داعش با اعلام تأسیس شعبه خراسانی خلافت و تعیین امیر برای آن تلاش می‌کند مناطقی را از قبل آماده کند تا اگر روزی در خاورمیانه با شکست روبه‌رو شود و دولت‌های عراق و سوریه سرزمین‌های خود را پس گرفتند، خلافت خود را در افغانستان و پاکستان و مناطق قبایلی آن‌ها ادامه دهد. گرچه حضور اعضای عرب داعش در افغانستان تأیید شده است ولی به نظر می‌رسد که رهبری و بدنه اصلی ولایت خراسان ادعایی داعش را افغان‌ها، پاکستانی‌ها، ازبک‌ها، چچن‌ها، تاجیک‌ها و اوغورهای چین تشکیل می‌دهند.

۲- زمینه‌های مساعد نفوذ داعش در افغانستان

۱- زمینه‌های سیاسی

- ضعف ساختاری و ناکارآمدی حکومت مرکزی

جامعه افغان از قبایل و طوایف متنوعی تشکیل شده است. این قبایل عمدتاً رقیب، تاکنون از شکل‌گیری یک دولت و حکومت قدرتمند مرکزی و تشکیل دولت-ملت جلوگیری کرده‌اند. داعش از همین شرایط بهره‌برداری می‌کند و در افغانستان نیرو جذب می‌کند. بی‌سوادی گسترده، فقر، شکاف‌های عمیق اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی، ناتوانی دولت در برآورده کردن اساسی‌ترین نیازهای مردم، فساد گسترده حکومتی و همچنین ضعف دستگاه‌های دولتی در تأمین امنیت مردم افغانستان موجب بروز نارضایتی شده و فضا برای نفوذ نیروهای ضد حکومتی مساعد ساخته شده است.

- ضعف طالبان

پس از اعلام مرگ ملا محمد عمر، رهبر امارت اسلامی افغانستان، و بروز اختلاف بر سر رهبری طالبان احتمال تجزیه این گروه افزایش یافته است. اگر گروه طالبان با دولت مرکزی در کابل به سازش برسد، این احتمال نیز قوی‌تر خواهد شد. بدین ترتیب داعش شانس زیادی برای جذب نیرو از میان طالبان دارد. برای این نیروها داعش به دلیل ادعای خلافت، جذابیت خاصی دارد.

۲- شرایط جغرافیایی

افغانستان به لحاظ جغرافیایی پل ارتباطی آسیای مرکزی و شبه قاره هند است و از یک سو در همسایگی چین و از سوی دیگر در همسایگی ایران قرار دارد. از این رو مکانی ایده‌آل برای هر گروه تروریستی است. از جمله این مناطق، حوزه خط مرزی «دیوراند»^۱ بین افغانستان و پاکستان است که مناطق قومی پشتون در هر دو سوی آن امتداد دارند.

^۱ . Durand line

مناطق شرقی افغانستان در امتداد کوه‌های هندوکش از بیرون تسخیر ناپذیر هستند و به دلیل استقرار گروه‌های چریکی در آن به ژئوپلیتیک افراط‌گرایی معروف شده است؛ همین ویژگی‌ها است که رهبران داعش را برای حضور در افغانستان و مناطق قبایلی پاکستان مصمم‌تر کرده است (نوائی، ۱۳۹۳).

همسایگی افغانستان با آسیای مرکزی جاذبه این کشور را برای داعش دو چندان کرده است. دره فرغانه برای گروه‌های چریکی از اهمیت خاصی برخوردار است. به گفته سرهنگ توی دانلی، استاد دانشگاه پنتاگون، اگر ازبکستان به جای روسیه به غرب گرایش پیدا کند، دره فرغانه به مانند اوکراین، به منطقه رویارویی شرق و غرب تبدیل خواهد شد (طائی، ۱۳۹۳). وجود گرایش‌های افراطی مذهبی در این دره که بین تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان قرار دارد به تحقق اهداف راهبردی داعش در آسیای مرکزی کمک می‌کند.

۳- زمینه‌های اقتصادی

مواد مخدر و همچنین معادن غنی افغانستان به داعش برای نفوذ در افغانستان، انگیزه اقتصادی داده است. داعش بر اساس تجربه تصرف منابع نفت در عراق و سوریه، امیدوار است تا با تسلط بر مناطقی از افغانستان که در آن‌ها کشت مواد مخدر رونق دارد و یا معادن فراوانی شناسایی شده است به منبع مالی قابل توجهی دست یابد. به همین دلیل، اولین حضور داعش در هلمند افغانستان گزارش شده که نود درصد کشت خشخاش افغانستان در آن متمرکز است. ارزش ذخایر و معادن افغانستان غیر از نفت و گاز، حدود سه هزار میلیارد دلار برآورد شده است. بیشتر این منابع در مناطقی قرار دارند که تسلط و نظارت دولت مرکزی بر آن‌ها بسیار کم است. داود شاه، وزیر معادن افغانستان، داعش را تهدیدی جدی برای صنعت نوپای معدن در افغانستان دانسته است. به گفته وی، سالانه ۳۰۰ میلیون دلار از ذخایر معدنی افغانستان به پاکستان قاچاق می‌شود (صلصال، ۱۳۹۴).

۴- زمینه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک

در افغانستان جریان افراط‌گرایی مذهبی جاذبه ایدئولوژیک دارد. خشونت در فرهنگ بومی و ساختار اجتماعی قبایل افغانستان امری پذیرفته شده است. داعش به خشونت رنگ و لعاب مذهبی داده است که مردم ساده‌دل، بی‌سواد و ناآگاه در افغانستان را به سوی خود جذب می‌کند. دیدگاه‌های فراملی داعش هم مورد توجه نسل جوان افغانستان قرار گرفته است (موسوی مبلغ، ۱۳۹۳).

داعش در افغانستان

- ماهیت بومی داعش در افغانستان

برخی از اعضای فعلی داعش و القاعده در جهاد افغانستان علیه شوروی شرکتی فعال داشتند. ابوبکر البغدادی مدت‌ها در افغانستان زندگی کرده و با برخی از رهبران احزاب و جریان‌های جهادی افغان از نزدیک در ارتباط بوده است. این پیشینه به داعش امکان می‌دهد به راحتی اعراب و هابی- تکفیری را به منطقه اعزام کند که البته بیشتر نقشی تدارکاتی دارند. به عبارت دیگر داعش در افغانستان، عمدتاً «بومی» است و افغان‌ها یا اتباع پاکستانی هستند که پرچم داعش را بلند کرده‌اند؛ اما اگر بساط خلافت اسلامی در عراق و شام برچیده شود، احتمالاً رهبران داعش چاره‌ای جز انتقال به پاکستان و افغانستان نخواهند داشت. رابطان عرب داعش با رهبران گروه‌هایی مانند طالبان و حزب اسلامی حکمتیار وارد مذاکره شده و بعضی از آن‌ها را جذب این گروه کرده‌اند. اعلام مرگ ملا محمد عمر و انتخاب رهبر جدید که به بروز نارضایتی در میان بخشی از طالبان منجر شده، امکان جذب تعداد بیشتری از طالبان به داعش را به وجود آورده است. فرماندهانی که با ابوبکر البغدادی بیعت کرده‌اند همه از فرماندهان پیشین طالبان بوده‌اند (نبوی، ۱۳۹۴).

رابطه داعش با سایر گروه‌های تروریستی در افغانستان

- داعش از نگاه طالبان

همان تضادها و رقابت‌های قبیله‌ای بین پشتون‌های افغانستان که از وحدت آن‌ها جلوگیری کرده، مانع انسجام درونی تشکیلات طالبان در پاکستان و افغانستان نیز شده است. داعش از رقابت‌های درونی طالبان استفاده و جناح‌های ناراضی آن‌ها را جذب کرده است. بدین ترتیب می‌توان گفت نگاه طالبان به داعش حول دو محور اصلی متمرکز شده است: ۱- اختلافات ایدئولوژیک، ۲- رقابت بر سر قدرت.

۱- اختلافات ایدئولوژیک

از نظر ایدئولوژیک، هرچند در کلیات، تفکرات داعشی و طالبانی هر دو سلفی افراطی هستند ولی تفاوت‌های جدی در نگرش این دو گروه وجود دارد که اختلاف بر سر امارت مد نظر طالبان و خلافت مد نظر داعش از جمله آن‌ها است. امارت، حوزه محدودتری از جغرافیای دنیای اسلام را در افغانستان و پاکستان در نظر دارد؛ اما داعش خلافت اسلامی را در تمامی سرزمین‌هایی در نظر دارد که در دوران عثمانی در حوزه اقتدار مسلمانان قرار داشتند.

ایدئولوژی طالبان در مکتب دیوبندی شبه قاره هند ریشه دارد و اندیشه و ایدئولوژی داعش تحت تأثیر سلفیت وهابی افراطی- جهادی- تکفیری است که ریشه در عربستان سعودی دارد. این دو مکتب فکری اختلافاتی دارند. به عنوان مثال بر خلاف داعش، علمای مکتب دیوبندی اجماع دارند که نمی‌توان کسی را که «لا اله الا الله» بر زبان می‌آورد، تکفیر کرد. به علاوه دیوبندی‌ها، شیعیان را مسلمان می‌خوانند ولی داعش اهل تشیع را خارج از اسلام می‌داند. اختلافات ایدئولوژیک میدان عمل متفاوتی را برای دو گروه ترسیم کرده است. رویکرد طالبان محلی‌گرا و رویکرد داعش به خلافت جهان‌گرا است.

۲- رقابت‌ها بر سر قدرت

قدرت، دومین موضوع اختلاف طالبان و داعش است. در نامه سرگشاده ملامحمد عمر (ژوئن، ۲۰۱۵)، رهبر وقت طالبان، به ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، آمده است که از نظر امارت اسلامی ایجاد گروه‌های موازی، مخالف جهاد، مجاهدان و مصالح اسلامی است (تارنمای خبری تحلیلی تاند، ۲۰۱۵).

رقابت طالبان و داعش بر سر کسب قدرت در صحنه عمل به درگیری‌های نظامی خون‌بار از جمله در دو ولایت کنر و هلمند افغانستان منجر شده است (نجفی زاده، ۲۰۱۵). طالبان، داعش را رقیبی می‌بیند که موجودیت آن‌ها را تهدید می‌کند. بدین ترتیب بخش‌هایی از طالبان دیر یا زود با داعش وارد جنگ خواهند شد. محلی‌گرایی طالبان و جهانی‌گرایی و خلافت‌گرایی داعش اختلافات میان آن‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد.

- داعش از نگاه القاعده

۱- اشتراکات

داعش شکل تکامل یافته‌تر و خشن‌تر القاعده است. این گروه از بدنه اصلی القاعده جدا شده است؛ بنابراین به لحاظ ایدئولوژیک با القاعده تفاوت ماهوی ندارد. جرقه‌های اولیه تفکر داعشی را «الزرقاوی» در عراق زد که مؤسس شعبه عراقی القاعده در این کشور بود. هدف هر دو گروه تروریستی، احیای خلافت اسلامی است که آرمان برآورده نشده اهل سنت محسوب می‌شود.

۲- اختلافات

تاکتیک‌ها و شیوه‌هایی که داعش علیه مخالفانش به کار می‌گیرد به مراتب خشن‌تر و وحشیانه‌تر از روش‌های القاعده است. زمانی اسامه بن لادن به زرقاوی پیام داده بود که به کشتار غیر نظامیان در عراق پایان دهد زیرا به ضرر القاعده تمام می‌شود؛ اما وی در

پاسخ اعلام کرده بود که کشتار شیعیان را وظیفه شرعی می‌داند (اسد الهی، ۱۳۹۳). در دوران فعلی القاعده با خطر جذب نیروهایش از سوی داعش روبه‌رو است؛ بنابراین اصلی‌ترین اختلاف داعش و القاعده را می‌باید در قدرت‌طلبی و انحصارطلبی آنها جستجو کرد. نگاه القاعده به داعش از همان آغاز، رقابت‌آمیز و ناشی از نگرانی بوده است. مفتی‌های اصلی گروه القاعده به شدت از ابوبکر البغدادی انتقاد کرده‌اند. «ابوقناره» حتی وی و پیروانش را گمراه و سگ‌های جهنم خوانده است (عشوری مقدم، ۱۳۹۳). داعش و القاعده در تقسیم‌بندی دشمنان نیز اختلاف نظر جدی دارند. از نگاه القاعده غرب دشمن نزدیک است ولی در نگاه داعش دشمن نزدیک شیعیان و دولت شیعی عراق، ایران و دولت علوی سوریه هستند. القاعده برای خود حق تقدم قائل است و انتظار دارد که رهبران داعش از دستورات رهبران القاعده پیروی کنند؛ اما با اعلام تأسیس خلافت اسلامی، ابوبکر البغدادی انتظار دارد رهبران القاعده با او بیعت و از دستورات وی پیروی کنند که موجب مناقشه شده است. در واقع نگاه القاعده به داعش به تدریج از حالت انتقاد به دشمنی در حال تغییر است.

افغانستان سکوی پرش داعش

پروژه داعش در چارچوب اهداف راهبردی قدرت‌های خارجی و برخی از کشورهای منطقه شکل گرفته است. بر اساس چنین برداشتی افغانستان و پاکستان مقصد نهایی داعش نیست و این گروه در راستای اهداف راهبردی قدرت‌های جهانی، سه منطقه اصلی را برای توسعه نفوذ در نظر گرفته است. در نقشه جاه‌طلبانه‌ای که داعش چاپ کرده است افغانستان و همچنین پاکستان گذرگاه عبور و سکوی پرش آتی نیروهای این گروه به سوی نواحی مجاور محسوب می‌شوند. در این چارچوب هدف نهایی داعش نفوذ به جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، چین و هندوستان است. در حقیقت هدف داعش

تبدیل بخش‌هایی از افغانستان و پاکستان به آن چیزی است که در برخی از منابع از آن به نام «کانون ثانوی انتشار» یاد شده است (تابناک، ۱۳۹۴).

آسیای مرکزی

داعش قصد دارد از طریق افغانستان به آسیای مرکزی و همچنین قفقاز دست یابد (سنقر، ۱۳۹۴). گزارش‌های منتشره شده دربارهٔ تحرکات داعش از هماهنگی فعالیت این گروه در افغانستان با مسیرهای نفوذ به آسیای مرکزی حکایت می‌کند. از جمله این‌که قندوز، مرکز اصلی درگیری‌های داعش در شمال افغانستان شده است که این گروه در نظر دارد آن را به نخستین پایتخت ترانزیتی خود به سوی آسیای مرکزی تبدیل کند (تارنمای افغان سباوون، ۲۰۱۵).

مناطق شمالی افغانستان هم‌مرز آسیای مرکزی و منطقه بدخشان و همچنین دره فرغانه است که یکی از مستعدترین مناطق برای گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود. دره فرغانه، اولین نقطه‌ای بوده است که وهابیت در آن از سال ۱۹۹۲ م نفوذ کرده است. این دره سه کشور آسیای مرکزی ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان را به هم متصل می‌کند و در شرق به استان سین کیانگ چین و در جنوب به پاکستان و هندوستان راه دارد. هر گروهی که بر این منطقه مسلط شود به همه این مناطق دسترسی خواهد یافت.

دولت‌های آسیای مرکزی بر دره فرغانه تسلط نظامی و اشراف امنیتی کامل ندارند. پیش از داعش، سازمان القاعده جریان‌های رادیکال ازبک و تاجیک را به خود جذب کرده بود. هم‌اکنون فرماندهی جنگ در سوریه بیشتر در اختیار اتباع چچنی و یا ازبک و تاجیک قرار دارد که نشان دهندهٔ نفوذ داعش در مناطق مسلمان‌نشین روسیه و حوزه آسیای مرکزی و قفقاز است (رائی، ۱۳۹۴).

اما فضای رقابتی موجود بین قدرت‌های شرق و غرب در توجه داعش به این منطقه نقش غیر قابل انکاری دارد. رقابت‌های قدیمی آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی همچنان ادامه

دارد. از دید کرم‌لین، داعش خطرناک‌ترین ابزار تروریستی است که آمریکا می‌تواند در حوزه آسیای مرکزی علیه روسیه به کار گیرد. داعش افغانستان و پاکستان می‌تواند در آسیای مرکزی جبهه جدیدی علیه روسیه بگشاید (عبیدی، ۱۳۹۴).

جمهوری اسلامی ایران

چند مقوله اساسی وجود دارد که ایران را در کانون توجه گروه تکفیری داعش قرار می‌دهد.

الف) ایدئولوژی

از منظر ایدئولوژیک، داعش شیعه را خارج از اسلام و هدف اصلی خود را نابودی شیعه می‌داند (قربانی، ۱۳۹۴). بدین ترتیب در بلند مدت برخورد با ایران، بخشی از وظیفه ایدئولوژیک داعش خواهد بود (احمد، ۱۳۹۴). اما صرف‌نظر از دیدگاه ایدئولوژیک داعش به ایران، منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نیز در تعیین موضع داعش به ایران نقشی کلیدی دارد.

ب) نقش آمریکا

تضادهای بنیادین ایران و آمریکا، داعش را در حالت خصمانه با ایران نگاه می‌دارد که بخشی از جنگ نیابتی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن علیه ایران اسلامی محسوب می‌شود. داعش به آمریکا کمک می‌کند تا:

الف: ایران را در مرزهای جنوب شرقی و غربی درگیر بحرانی فرسایشی کند؛

ب: سیاست ایران در افغانستان را که تاکنون موفق بوده است به شکست کشاند (تارنمای الف، ۱۳۹۴).

پ) نقش عربستان سعودی

در سال‌های اخیر و به ویژه پس از آن‌که عراق، سوریه، یمن و بحرین تحت تأثیر روند «بیداری اسلامی» یا آن‌طور که غربی‌ها می‌گویند «بهار عربی» دچار تحول شدند، بدگمانی

رهبران عربستان سعودی به ایران افزایش یافته است. آن‌ها معتقدند که ایران با نفوذ در میان جمعیت‌های شیعه در کشورهای عرب، درصدد است تا تفکر انقلاب اسلامی خود را به خاورمیانه صادر کند. بر همین اساس، عربستان سعودی از طریق نفوذ در کشورها و جمعیت‌های اهل سنت در پاکستان و افغانستان و احتمالاً در داخل ایران، قصد مقابله به مثل دارد. به علاوه داعش امیدوار است مشغول شدن ایران در مرزهای شرقی‌اش، موجب کاهش فشار این کشور بر نیروهای داعش در عراق و سوریه شود (رمضانی بونش، ۱۳۹۴). تجربه جنگ در سوریه و عراق نشان داد در سطح جهانی و منطقه‌ای، اراده سیاسی لازم برای شکست داعش وجود ندارد. برخلاف کشورهایی که در ظاهر با داعش در خاورمیانه مقابله می‌کنند، مقابله جمهوری اسلامی ایران با داعش واقعی است و ریشه‌های عمیق ایدئولوژیک دارد. این‌که محافل منطقه‌ای و جهانی هوادار داعش پس از توافق هسته‌ای، تبلیغات منفی گسترده‌ای علیه ایران به راه انداخته‌اند، بی‌ارتباط با این واقعیت نیست. اگر داعش در سوریه و عراق با شکست مواجه شود، پیش‌بینی می‌شود حامیان داعش برای اهداف راهبردی خود جنگ نیابتی با ایران را در مرزهای شرقی از طریق افغانستان و پاکستان ادامه دهند. از این رو حضور داعش در افغانستان و پاکستان را باید پروژه پیچیده‌تری از آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد در نظر گرفت.

به این مجموعه می‌توان راهبرد داعش در مقابله با تفکر وحدت‌گرای اسلامی و استهلاک قدرت منطقه‌ای ایران را نیز افزود که مهم‌ترین هدف مشترک داعش، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و تا حدی ترکیه است. دو کشور چین و هندوستان که در آن‌ها اقلیت‌های مسلمان سرکوب شده‌اند در برنامه‌ریزی‌های داعش برای نفوذ در پاکستان و افغانستان جایگاه خاص دارند.

ت) چین

پاکستان از طریق قره قوم با استان مسلمان‌نشین و ناآرام سین کیانگ چین هم‌مرز است. نیروهای ترکستان شرقی (نهضت اسلامی ترکستان شرقی) که از قومیت مسلمان اویغور تشکیل شده و هدف خود را استقلال سین کیانگ از چین اعلام کرده، سال‌ها است که در وزیرستان شمالی و در جمع القاعده حضور پررنگی دارد و به تازگی به داعش پیوسته و در پی حمله ارتش پاکستان به وزیرستان شمالی، نیروهایش را به مناطق هم‌مرز آسیای مرکزی انتقال داده است (نهضت جهانی، ۱۳۹۴).

ث) هند

نفوذ داعش در افغانستان و پاکستان برای هندوستان نیز دغدغه‌های امنیتی به وجود آورده است. داعش بخش‌هایی از مناطق مسلمان‌نشین هند را در نقشه خلافت اسلامی ادعایی خود چاپ کرده است. پیوستگی جغرافیایی هند از طریق پاکستان و کشمیر، محیط جغرافیایی مناسبی برای نفوذ احتمالی داعش به هندوستان به وجود می‌آورد. احتمال نفوذ داعش در میان مسلمانان هند، چندان جدی است که سازمان القاعده را واداشته است تا با راه‌اندازی شعبه هندی القاعده از داعش عقب‌نماند. اگر رقابت هند و پاکستان در افغانستان را نیز مورد توجه قرار دهیم، نگرانی‌های هند از نفوذ داعش در افغانستان قابل فهم‌تر خواهد شد.

داعش و تأمین منافع کشورهای منطقه در افغانستان

داعش گروهی است که موجودیت و ماهیت آن در گرو کارکردی است که در حفظ منافع و تحقق اهداف بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. مأموریت داعش در افغانستان هم تأمین منافع برخی از این بازیگران است.

۱) منافع ایدئولوژیک با محوریت عربستان سعودی و قطر (رسوخ دادن وهابیت)؛

۲) منافع اقتصادی با محوریت ترکیه و قطر؛

۳) ترکیبی از منافع با محوریت پاکستان.

۱- منافع ایدئولوژیک با محوریت عربستان سعودی

راهبرد عربستان سعودی و سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و تا حدودی اردن هاشمی اساساً در ارتباط با الگوی اسلامی قدرت معنا می‌یابد. عربستان سعودی با اتکا به منابع عظیم مالی، مدت‌ها است که برای اشاعه تفکر سلفی- وهابی در سراسر جهان و به ویژه در پاکستان و افغانستان تلاش می‌کند. تأمین هزینه هزاران مدرسه دینی در افغانستان، عینی‌ترین نمونه از تلاش عربستان سعودی در این مورد است. دخالت اعراب در جهاد افغانستان که به شکل‌گیری طالبان و القاعده منجر شده و در روندی طبیعی به داعش رسیده از حمایت ایدئولوژیک و مالی عربستان سعودی برخوردار است. عربستان سعودی با استفاده از داعش درصدد است کمر بند سپاه سنی (در برابر ایده کمر بند سبز شیعی) به دور ایران بکشد تا بدین وسیله تأثیر تفکر انقلاب اسلامی را محدود سازد و با آن مقابله نماید.

۲- منافع اقتصادی با محوریت ترکیه و قطر

در چارچوب نئوعثمانیسم و پان ترکیسم که حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه ترکیه سرلوحه سیاست‌های خود قرار داده است، اقوام ترک‌تبار در حوزه قفقاز و آسیای مرکزی و همچنین افغانستان جایگاه خاصی دارند. در میان ترک‌تباران افغانستان قوم ازبک اهمیت ویژه‌ای دارد.

ازبک‌ها در تحولات بعد از سقوط رژیم مارکسیستی افغانستان، در قالب جنبش ملی- اسلامی شمال سازمان‌دهی شدند. تشکیلاتی شدن ازبک‌ها، فرصت مناسبی در اختیار ترکیه قرار داده است که سیاست‌های خود را در افغانستان پیگیری کند. ترکیه امیدوار است که با فدرالی شدن ساختار اداری این کشور، ترک‌تبارها در شمال افغانستان، منطقه‌ای خودمختار تشکیل دهند و نفوذ ترکیه را در این کشور تضمین کنند.

موضوع انرژی نیز توجه خاص ترکیه به افغانستان را افزایش داده است. افغانستان می‌تواند در انتقال نفت و گاز حوزه خزر به بازارهای مصرف نقش ایفا کند. یکی از مسیرهای بالقوه انتقال انرژی آسیای مرکزی، مسیر افغانستان و پاکستان است. ترکیه و قطر مایل نیستند که خط لوله موسوم به «تاپی»^۱ که قرار است گاز ترکمنستان را به افغانستان و پاکستان انتقال دهد اجرایی شود زیرا منافع اقتصادی ترکیه در خط لوله باکو-جیحان و نقش قطر در بازار انرژی هندوستان و چین را تهدید می‌کند. از این رو منافع دو کشور در تقویت جریان‌های رادیکالی مانند داعش و ناامن ماندن افغانستان است (آریانفر، ۱۳۹۴).

۳- ترکیبی از منافع با محوریت پاکستان

افغان‌ها بر این باورند که پاکستان سیاست دوگانه همیشگی خود در قبال افغانستان را ادامه می‌دهد و آژانس اطلاعات محرمانه ارتش پاکستان، «آی.اس.آی»، از هر گروهی از جمله داعش برای تحقق اهداف راهبردی این کشور در افغانستان بهره‌برداری می‌کند. افغان‌ها معتقدند پاکستان که به دلیل فشارهای بین‌المللی ناچار به پایان حمایت از طالبان افغانستان است، قصد دارد داعش را جایگزین طالبان کند (تارنمای آرمان ملی، ۱۳۹۴).

موانع داعش برای نفوذ در افغانستان

موانع حضور و نفوذ داعش در افغانستان و پاکستان عبارت‌اند از:

- ۱) موانع ایدئولوژیک مکتبی (تفاوت مکتب دیوبندی-حنفی با مکتب سلفی افراطی-وهابی)؛
- ۲) موانع فرهنگی در قبایل (بیگانه‌ستیزی-فرهنگ پشتونوالی)؛
- ۳) موانع ناشی از تضاد منافع و قدرت میان طالبان، القاعده و نیروهای دولتی.

^۱ The Turkmenistan–Afghanistan–Pakistan–India Pipeline (TAPI)

۱. موانع فرهنگی

در مردم افغانستان به صورت عام و در قبایل پشتون به صورت خاص روحیه بیگانه‌ستیزی بسیار قوی است. هر گروه خارجی از جمله داعش در افغانستان با این مانع روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل ابوبکر البغدادی، به جای اعزام نیروهای عرب به افغانستان تلاش کرد عناصری از طالبان ناراضی را جذب کند و داعش محلی به وجود آورد. عملکرد داعش در سوریه و عراق برای بسیاری از مردم افغانستان به ویژه برای اقوام غیر پشتون موجب نگرانی شده است. از جمله نحوه رفتار داعش با زنان ایزدی در عراق و به بردگی گرفتن آن‌ها، جامعه اقلیت در افغانستان اعم از اقلیت قومی نظیر ازبک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، نورستانی‌ها، پشه‌ای‌ها، کوسه‌ها، هزاره‌ها و غیره را هوشیار ساخته است که اگر در مقابل داعش مقاومت نکنند، سرنوشت زنان و دختران آن‌ها مانند سرنوشت زنان و دختران ایزدی، ترکمن و مسیحی عراق خواهد بود. در فرهنگ سنتی افغان‌ها یا پشتون‌نوالی که ترکیبی از سنت‌های بومی و ارزش‌های اسلامی است درباره موضوعاتی چون حیثیت و ناموس زنان حساسیت خاصی وجود دارد (شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، ۱۳۹۴). جهاد نکاح که داعش در سوریه و عراق به راه انداخته است تعارض آشکاری با سنت‌های فرهنگی پشتون‌ها دارد. بدین ترتیب حتی افراطی‌ترین گروه‌های همفکر با داعش در افغانستان به راحتی جذب این گروه نخواهند شد.

تجربه داعش در برخورد با اقلیت‌های مذهبی، شیعیان افغانستان و پاکستان را بسیار نگران کرده است. اگر داعش بر افغانستان سلطه یابد، شیعیان این کشور هدف اول این گروه محسوب می‌شوند و آینده‌ای جز قتل عام پیش روی نخواهند داشت؛ بنابراین تا پای جان در مقابل داعش مقاومت خواهند کرد (پایگاه تحلیلی خبری دین پژوهشی، ۱۳۹۴).

۲. موانع ایدئولوژیک

ایدئولوژی داعش برگرفته از وهابیت جهادی- تکفیری است اما ایدئولوژی گروه‌های رادیکال اهل سنت در افغانستان از مکتب دیوبندی و حنفی سرچشمه می‌گیرد که تفکری

محلی‌گرا است. داعش با طرح ادعای خلافت، خود را وارث اندیشه‌ای می‌داند که در ذات خودش به جهان‌گرایی تمایل دارد اما حداکثر انتظار گروه‌های رادیکال اهل سنت در افغانستان و پاکستان تأسیس امارت اسلامی است. اختلافات ایدئولوژیک داعش و گروه‌های رادیکال وابسته به مکتب دیوبندی-حنفی، می‌تواند حداقل در زمینه‌های فکری و اندیشه‌ای تا حدودی مانع نفوذ گسترده داعش در افغانستان شود (جمالی، ۱۳۹۴).

۳. موانع ناشی از تضاد منافع و قدرت

به لحاظ نظری سه گروه در افغانستان می‌توانند بر سر کسب و حفظ قدرت در مقابل داعش، طیف گسترده‌ای از مقاومت فرهنگی تا جنگ مسلحانه را به اجرا گذارند.

۱) دولت و ارتش افغانستان

۲) گروه طالبان

۳) شبکه القاعده

دولت و ارتش افغانستان

دولت، ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان مسئولیت اصلی خود را حفظ امنیت در این کشور تعریف می‌کنند و در مقابل هر جریان و گروهی که امنیت و حاکمیت ملی را به خطر اندازد، وارد جنگ خواهند شد. از آنجا که داعش، افغانستان را بخشی از خلافت اسلامی خود در شعبه خراسان قرار داده است، ارتش افغانستان با آن مقابله خواهد کرد.

طالبان

گروه طالبان یک جریان رادیکال مکتبی اما قدرت‌طلب است و نمی‌تواند رقیب دیگری را در کنار خود ببیند. تفکر طالبان هم به لحاظ مذهبی و هم به لحاظ قومی (پشتون)، اساساً تفکری انحصارطلب است. بدین ترتیب جنگ قدرت بین این دو گروه اجتناب‌ناپذیر است.

القاعده

دیگر رقیب قدرتمند داعش در افغانستان و پاکستان، القاعده است. این رقابت از عراق و سوریه آغاز و به پاکستان و افغانستان کشیده شده است. داعش و القاعده هر دو پیرو مکتب جهادی- تکفیری هستند ولی با بروز اختلافاتی از هم جدا شدند. مناقشه اصلی داعش و القاعده در آینده بدون شک بر سر رهبری است. تلاش داعش برای جذب نیروهای القاعده، رقابت بر سر قدرت و رهبری را تشدید خواهد کرد که این اختلاف علی القاعده در صحنه جنگ قابل حل و فصل است.

موانع بین المللی

از شواهد موجود چنین برمی آید که «سی آی ای» آمریکا، «ام آی سیکس»^۱ انگلیس و موساد «mossad» رژیم صهیونیستی، بیشترین نقش را در اجرای پروژه داعش داشته‌اند. از همین رو است که اهداف پشت پرده سازمان‌دهی داعش در چارچوب رقابت‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تعیین شده است.

در دوران پس از جنگ سرد، دو قطب رقابت بین‌المللی شکل گرفته است که به لحاظ نظری آمریکا، اروپا و متحدان منطقه‌ای آن‌ها در یک سو و چین، روسیه، ایران و حکومت‌های نزدیک به آن‌ها در سوی دیگر قرار می‌گیرند. غرب در این قطب‌بندی جدید، برای اعمال فشار بر روسیه، حوزه قفقاز و شرق اروپا و در برابر چین، حوزه شرق دور و حوزه اقیانوس آرام را در نظر گرفته است. مناسب‌ترین ابزار غرب و متحدانش در برابر قطب رقیب، استفاده ابزاری از جریان‌های رادیکال جهادی است (پیمانی، ۱۳۹۴). چین نگرانی خود را از این راهبرد رقیب غربی و متحدانش نشان داده است. سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در پاکستان با هدف نفوذ به این کشور و رقابت با آمریکا در آن است. نزدیکی چین با نیروهای مذهبی پاکستان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اخبار منتشر شده

¹ CIA

² MI6

مبنی بر این است که محافل خاصی در چین در پی بهره‌برداری ابزاری از تندروهای اسلامی در برابر حضور بلند مدت آمریکا در منطقه برآمده‌اند و برخی از گروه‌های تندرو را در نوار مرزی پشتیبانی می‌کنند (رمضانی بونش، ۱۳۸۹). از نظر روس‌ها نیز ورود داعش به افغانستان بخشی از پروژه محاصره و تهدید امنیتی مسکو در دور جدید رقابت قدرت‌های جهانی است. در چارچوب این رقابت‌ها، یکی از اولویت‌های کشورهای غربی و عربی تضعیف امنیت ملی روسیه و کشورهای همسوی با این کشور با توسل به داعش و گروه‌های تندروی دیگر است (رمضانی بونش، ۱۳۹۳).

به جز ایران در هیچ کشور دیگری در منطقه توان و اراده کافی برای ورود به جنگ با داعش وجود ندارد. داعش از خارج، امنیت مرزها و با تحریک فرقه‌گرایی مذهبی، ثبات و امنیت داخلی ایران را تهدید می‌کند و راهبرد وحدت‌طلبانه و گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش می‌کشد.

هندوستان یکی از دیگر کشورهای مهم جنوب آسیا است که حضور داعش در افغانستان و پاکستان را پروژه‌ای استخباراتی می‌داند. اعلام بیعت و وفاداری جناح خلافت‌گرای تحریک خلافت پاکستان که مواضع آشکار ضد هندی دارد و بخش هندی القاعده و پیوستن گروه‌های تندرو نظیر لشکر طیب به داعش که از نظر دهلی نو اصلی‌ترین گروه تروریستی مورد حمایت «آی.اس.آی» پاکستان است، هندوستان را تشویق می‌کند تا به نحو مؤثرتری در افغانستان فعال شود و نفوذ داعش در افغانستان را سد کند.

پنج کشور آسیای مرکزی، روسیه، چین، ایران و هندوستان تهدید داعش را به دلیل تحریک تجزیه‌طلبی قومی (با پوشش مذهبی در مراحل ابتدایی و جابجایی قدرت در مراحل بعدی) تهدیدی جدی تلقی می‌کنند؛ بنابراین احتمال دارد در افغانستان در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد ائتلاف منطقه‌ای هرچند نانوشته بین چین، روسیه، ایران و هند علیه ائتلاف غربی، عربی، عبری و داعش و سازمان‌های وابسته به آن باشیم که بدون شک بزرگ‌ترین مانع نفوذ داعش در افغانستان خواهد بود.

چشم انداز داعش در افغانستان

داعش از آسیب‌پذیری به اصطلاح خلافت اسلامی در محدوده عراق و سوریه آگاه است و از هم‌اکنون به دنبال سرزمین‌های مناسبی است تا اگر به هر دلیلی قدرتش را در سوریه و عراق از دست داد قادر باشد، خلافت ادعایی خود را در گوشه‌ای دیگر از دنیای اسلام ادامه دهد. داعش، افغانستان و پاکستان و به ویژه مناطق قبایلی در دو سوی مرز «دیوراند» در این دو کشور را مستعدترین محل برای ادامه خلافت خود می‌داند و برای گسترش نفوذ در این منطقه تلاش خواهد کرد.

آنچه مسلم است داعش بخشی از جنگ نیابتی دستگاه‌های امنیتی بین‌المللی و منطقه‌ای است و اراده این دستگاه‌ها در سیاست‌گذاری و عملکرد آتی داعش در افغانستان نیز نقشی انکارناپذیر دارد. داعش محدوده به اصطلاح ولایت خراسان بزرگ را به گونه‌ای ترسیم نموده است که با منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش سازگاری داشته باشد. بدین ترتیب پیش‌بینی می‌شود هر دو طرف از یکدیگر علیه دشمن مشترک بهره‌گیری کنند.

داعش همچون هر گروه تروریست دیگری که از آن استفاده ابزاری می‌شود، تاریخ مصرف معینی خواهد داشت و ممکن است با از دست دادن کار ویژه خود حتی از سوی حامیان سیاسی و مالی‌اش حذف شود؛ اما داعش به عنوان یک گروه ایدئولوژیک، حتی اگر نقش عملیاتی خود را از دست بدهد به عنوان یک تفکر انحرافی باقی می‌ماند و می‌تواند مانند القاعده و طالبان امنیت، توسعه و ثبات کشورهای منطقه را مختل کند.

داعش در افغانستان ماهیتی بومی دارد و به نظر می‌رسد بومی‌گرایی داعش در آینده همچنان ادامه یابد. بخشی از به اصطلاح خلافت خراسان داعش را گروه‌ها و جریان‌های تروریستی تشکیل می‌دهند که اتباع افغانستان و پاکستان به آن پیوسته‌اند. داعش در واقع تلاش کرده است با ارائه امکانات مالی اعضای این گروه‌ها را به خود جذب کند. هسته مرکزی داعش بومی در افغانستان و پاکستان را فرماندهان و اعضای از گروه طالبان تشکیل

می‌دهند که در اعتراض به شرایط موجود از طالبان جدا شدند. حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نیز آشکارا به پیوستن به داعش تمایل نشان داده است (مژده، ۱۳۹۴).

گروه‌های رادیکال مکتبی و تروریستی فعال در پاکستان و افغانستان هر کدام اهداف خاص خود را دارند. بعضی از آنها مانند طالبان ضمن آن‌که خواهان قدرت هستند، هدف خود را اسلامی کردن ساختار قدرت در این دو کشور اعلام کرده‌اند. در بین آن‌ها گروه‌هایی نیز وجود دارند که صرفاً به فرقه‌گرایی دامن می‌زنند. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی، جندالله، جیش العدل و الفرقان از جمله این گروه‌های تروریستی محسوب می‌شوند که درگیری بین شیعه و سنی را ضروری می‌دانند. این گروه‌ها برای پیوستن به داعش آمادگی بیشتری دارند (قهرودی، ۱۳۹۴). سه گروه تروریستی (جندالله، الفرقان و جیش العدل) که خود را به اصطلاح مدافع حقوق اهل سنت و قومیت بلوچ ایرانی اعلام کرده‌اند از حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا و عربستان سعودی برخوردارند. پیوستن این گروه‌های تروریستی به داعش برای دریافت کمک‌های مالی دور از انتظار نیست.

از جمله سیاست‌های عربستان سعودی درباره ایران، تنش‌زایی در مناطق اهل سنت و قومی در شرق ایران است و ممکن است با تقویت گروه‌های تروریستی ضدایرانی در این مناطق، سیاست راهبردی‌اش مبنی بر ایجاد تضاد بین شیعه و سنی را بیش از پیش عملیاتی سازد. داعش می‌تواند با جذب گروه‌های تروریستی در نزدیکی منطقه شرقی حوزه امنیت ملی ایران، مشکلاتی هرچند اندک، ولی دامنه‌دار برای ایران به وجود آورد. تهدید داعش در منطقه از جمله در افغانستان از دو جهت ممکن است در آینده جدی‌تر شود:

۱- تحرکات تجزیه‌طلبانه قومی و ارضی؛

۲- تحرکات ایدئولوژیک، تشدید تضاد شیعه - سنی.

نتیجه‌گیری

گروه تروریستی داعش با دیدی جهان‌گرا خواستار حاکمیت خلافت اسلامی در گستره‌ای از شمال آفریقا و جنوب اروپا تا قفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه، افغانستان و پاکستان و

حتی بخش‌هایی از ایران و هند است. اگر داعش در سوریه و عراق به بن‌بست برسد احتمالاً افغانستان بهترین مکان برای ادامه فعالیت این گروه محسوب می‌شود. هماهنگی سیاست‌های داعش با اهداف برخی از کشورهای منطقه و همچنین اهداف قدرت‌های جهانی رقیب، زمینه مناسبی برای نفوذ داعش به افغانستان به وجود آورده است. وجود تفکر جهادی در میان گروه‌های تروریستی افغانستان، ورود داعش به این کشور را تسهیل می‌کند. البته گروه‌های افراط‌گرای افغان با داعش بر سر تکفیر شیعیان اختلاف نظر دارند. دیگر اختلاف داعش و این گروه‌ها بر سر قدرت است. به نظر می‌رسد تهدید داعش برای کشورهای هم‌جوار افغانستان کشورهای مذکور را برای مقابله با تهدید این گروه به تشکیل ائتلافی هرچند نانوشته وادار کند.

منابع

- آریانفر. عزیز. (۱۳۹۴). "داعش پروژه مشترک قطر و ترکیه در افغانستان". قابل دسترسی در: <http://af.shafaghna.com/fa/60467>
- اسدالهی. مسعود. (۱۳۹۳). "نحوه شکل‌گیری داعش و راه‌های مقابله با آن". قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930707000020>
- پیمانی. حامد. (۵ اردیبهشت ۱۳۹۴). "نقش آمریکا در جایگزینی شیخ داعش". قابل دسترسی در: www.khaama.com/persian/archives/26024
- پایگاه تحلیلی خبری دین پژوهشی. (۹۴/۴/۲۹). "مهم‌ترین پیام داعش در افغانستان". بروز جنگ مذهبی و نیابتی در این کشور است. قابل دسترسی در: <http://dinonline.com/doc/report/fa/5289>
- جمالی. جواد. (۶ اردیبهشت ۱۳۹۴). "موانع نفوذ داعش در افغانستان". قابل دسترسی در: <http://alwaght.com/fa/news/8965>
- رضانی بونش. فرزاد. (۴ آذر ۱۳۸۹). "نگاه استراتژیک چین به افغانستان". مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. قابل دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa/>

- رضانی بونش. فرزاد (۱۳۹۳). "آیا پای افراط‌گری و بحران به آسیای مرکزی باز می‌شود؟".
خبرگزاری رشد. قابل دسترسی در:

www.roushd.com/printable.php?id=25872

- رضانی بونش. فرزاد. (۳۰ تیر ۱۳۹۴). "مهم‌ترین چالش پیش روی داعش در افغانستان". قابل
دسترسی در:

www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=3103

- رائی. علی. (۱ مرداد ۱۳۹۴). "نفوذ داعش در گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی". قابل
دسترسی در: Iranbazgoo6.1mo.ir/page-226058.html

- نوائی. علی‌اکبر. (۱۳۹۳). "داعش بازی نو، مرزهای خیالی و اهداف واقعی، خراسان زمین
حوت". قابل دسترسی در:

www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=291g

- نبوی. عبدالامیر (۹ تیر ۱۳۹۴). "معمای داعش. افغانستان، پاکستان، القاعده و طالبان". قابل
دسترسی در:

<http://afghanistannews.com/politics/news/13940307000528>

- نجفی زاده. هارون (۲۶ ژوئن ۲۰۱۵). "رویارویی طالبان و داعش". قابل دسترسی در:
www.bbc.com/persian/afghanistan/2015106/150625-mar-isis-harun-anal-7

- تارنمای الف. (۱ تیر ۱۳۹۴). "چرا آمریکا داعش را به افغانستان فرستاد؟". قابل دسترسی
در: <http://alef.ir/vdcccxmgszbgm98.alaz.html?277801>

- سنقر. سهیل (۳۱ تیر ۱۳۹۴). "شیعیان و طالبان اهداف نخست داعش در افغانستان". قابل
دسترسی در: www.soheilsonghor.ir/news/289825

- تارنمای افغان سباوون. (۱۴ ژوئن ۲۰۱۵). "داعش در جستجوی پایتخت در افغانستان". قابل
دسترسی در: www.afghansabawoon.com

- تارنمای نهضت جهانی مقاومت. (۵ شهریور ۱۳۹۴). "جنگ پنهان آمریکا علیه چین". قابل
دسترسی در: www.nehzatejahani.com/persian

- تارنمای خبری تحلیلی تاند. (۲۰ ژوئن ۲۰۱۵). "داعش در افغانستان؛ آیا بازی وارد مرحله
جدیدی شده است؟". قابل دسترسی در:

www.taand.com/archives/50336

- تارنمای آرمان ملی. (۱۳۹۴). "داعش در افغانستان جانشین طالبان می شود". قابل دسترسی در: <http://armanemeli.com/detail.php?pid=7374>
- شبکه اطلاع رسانی افغانستان. (۱۳۹۴/۴/۲). "دیدگاه داعش به ناموس در افغانستان". قابل دسترسی در: <http://afghanpaper.com/nbody.php?id=97751>
- تارنمای تابناک. (۳۰ فروردین ۹۴). "معضل جدید افغانستان؛ انتشار داعش". قابل دسترسی در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/492636>
- صفحه فیس بوک. (۲۸ دسامبر ۲۰۱۴). "افغانستان و پاکستان در آتش داعش و طالبان". قابل دسترسی در: www.facebook.com/notes/afghanistan-and-foreign-interferences-7790773
- طائی. علی. (۲۴ اسفند ۱۳۹۳). "آسیای مرکزی کانون تکاپوی یارگیری داعش". قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1945331>
- عشوری مقدم. محمدرضا. (۱۳۹۳). "تضادهای ایدئولوژیک چرا داعش و القاعده متحد نشدند". خبرگزاری فارس. قابل دسترسی در: www.farsnews.com/newstext.php?nn=1393/020001197
- عبیدی. مختار. (۹ خرداد ۱۳۹۴). "پشت پرده داعش در افغانستان، حامی واقعی کیست؟". قابل دسترسی در: <http://afghancollegians.persianblog.com/posts/235>
- قهرودی. کریم (۱۴ مرداد ۱۳۹۴). "زمینه های نفوذ داعش در پاکستان". قابل دسترسی در: www.tabnak.ir/fa/mobile/news/453372
- قربانی. مصطفی (۱۱ خرداد ۱۳۹۴). "داعش چرا و چگونه راهبرد اهداف آمریکا در غرب آسیا". پایگاه خبری تحلیلی شاهین. قابل دسترسی در: <http://shahina.ir32202>
- مژده. وحید. (۲۹ تیر ۱۳۹۴). "همکاری حزب اسلامی افغانستان با داعش". قابل دسترسی در: www.mehrnews.com/news/2859917
- موسوی مبلغ. سید مصطفی. (۱۳۹۳). "بررسی علل نفوذ داعش در افغانستان". قابل دسترسی در: www.payam-af-tab.com/fa/article/31876

- احمد، جاوید. (۳۰ تیر ۱۳۹۴). "نزدیکی ایران و طالبان علیه داعش". ترجمه علی عطاران. قابل دسترسی در: www.irdiplomacy.ir/fa/page/1990-9138

تارنمای صلصال نیوز. (۷ آذر ۱۳۹۴). "پنتاگون: داعش چشم به معادن و منابع طبیعی افغانستان دوخته است". قابل دسترسی در:

<http://www.salsaalnews.com/1394/04/islamic-state-eying-afghanistans-natural-resources/?ckattempt=1>